

«بایدن» همچنان می خواهد وضعیت معادلات جاری در خاورمیانه بویژه پرونده اختلافی با ایران را هرچند با پرداختن هزینه هایی تغییر دهد تا سنگین تری یعنی رسیدن به فرجام خوش رقابت با چین در آسیا را بردارد



«ایران» درباره موقعیت کنونی امریکادر غرب آسیا گزارش می دهد

# ضربه سیاست منطقه ای تهران به واشنگتن

واشنگتن باید با واقعیت جدید کنار بیاید که همپیمانان سابقش دیگر منافع خود را در این می بیند که روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی شان را به امریکا منحصر نکنند

را در این می بیند که روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی شان را به امریکا منحصر نکنند. این کشور با ایجاد این درک مشترک که دیگر نمی تواند اقدامات چندانی برای ایجاد ثبات و امنیت کشورهای خاورمیانه بردارد، برای همکاری درون منطقه ای اعراب و روی خوش نشان دادن آنها به دیگر قدرت های خارجی همچون چین تنها به نظاره نشسته است.

پرداخت کند. هرچند که تا همین الان هم بابت سردرگمی در مذاکرات هسته ای ناچار شده بیش از آنچه باید، در برابر ایران کوتاه بیاید؛ چه زمانی که واشنگتن تصمیم گرفت وقت خود را به جای مذاکره، صرف پروژه های دامن زدن به آشوب در خیابان های ایران کند، مقام های ایرانی هم دست روی دست گذاشته بودند و فعالیت های هسته ای را به جایی رساندند که امریکا فقط برای یک قلم خواسته خود یعنی متوقف کردن غنی سازی بدون مرز ایران، به مذاکرات غیرمستقیم در عمان روی بیاورد و در کوتاه ترین زمان ممکن و در اولین قدم برای آزادسازی اموال چندمیلیاردی ایران در کره جنوبی تضمین کافی دهد. این روایت نشان می دهد که «بایدن» برای ماندن در صندلی قدرت و جبران شکستش، انتظارات دیپلماتیک خود را به کمترین سطح کاهش داده است.

برعالمیت بازیگران اثرگذار و مهمی همچون ایران چشم بیند و رابطه خود را با آن همواره بحرانی نگه دارد. حاصل این سیاست آنکه، نزدیک ترین همپیمانان عربی اش مانند عربستان و مصر نیز دیگر اهمیت برای خواسته های امریکا قائل نیستند، خواه اقتصادی یا محور چین-روسیه و تعلیق روابط با ایران نشان ندهد. بنابراین به نظر می رسد آشتی ایران و اعراب، فضای در خلیج فارس و کل منطقه غرب آسیا ایجاد کرده که دیگر ضرورت حضور امریکایی ها همچون گذشته احساس نمی شود؛ به همین دلیل تصمیم گیرندگان این کشور با کاهش نیروهای خود در منطقه پس از مواجهه با شرایط جدید برای عقب نماندن از صحنه تحولات بار دیگر بر شمار فرستادگان نظامی خود در منطقه می افزایند. «استفان والت»، تحلیلگر مطرح روابط بین الملل این وضعیت و توافق ایران و عربستان را نتیجه نقایص فاحش تصمیم گیری «بایدن» درباره خاورمیانه می داند که عملاً سیاست امریکا در منطقه را فلج کرده است؛ سیاستی که ترجیح داده تنها با برخی کشورها در خاورمیانه روابط خاص برقرار کند

## گزارش

خاورمیانه همچنان اهمیت ژئوپلیتیک خود را حفظ کرده اما امریکا دیگر در این منطقه نفوذی ندارد. این تحلیلگران غربی می گویند که معتقدند واشنگتن با آسیب زدن رابطه خود با ریاض، وضعیت مذاکرات هسته ای با ایران و رابطه پرفراز و فرودش با اسرائیل، خاورمیانه را از دست داده است. علاوه بر این امریکا ناگزیر به پذیرش واقعیت دیگری هم هست و آن اینکه مشتریان سابقش دیگر حاضر نیستند میلیون ها دلار صرف خرید تسلیحات نظامی از این کشور کرده و انحصار فروش و حضور نظامی این کشور را در منطقه تحمل کنند. این واقعیت را بویژه زمانی می توان دریافت که «جیک سالیوان»، مشاور امنیت ملی امریکا در ماه های اخیر دست کم دو بار مخفیانه و آشکار به عربستان سفر کرد و در سفر اول چند روز برای دیدار با محمد بن سلمان، ولیعهد

انداخته است. این فحواي سه تحلیلی است که «کنت پولاک»، «جس فریمن» و «سایمون تیسدال» در نقد سیاست خارجی خاورمیانه ای دولت امریکا نوشته اند. آنها معتقدند تا زمانی که ایالات متحده منافع خود را در منطقه تعریف نکند، در برخی از دخالت نامیدانه باقی خواهد ماند که نمره آن تنها تلاش برای توقف دیگران خواهد بود؛ تلاشی که البته همان طور که تلاش دیپلماتیک اخیر چین در برقراری روابط بین ایران و عربستان نشان داد، اغلب به شکست خواهد انجامید.

هرچه در آینده برای امریکا در خاورمیانه رقم بخورد، به ندرت شبیه گذشته خواهد بود. این گزاره مشترک اغلب تحلیلگران بنام غربی و امریکایی است که معتقدند «جو بایدن»، رئیس جمهور امریکا تنها نظاره گر تحولاتی بوده که از یک سو به تقویت قدرت منطقه ای ایران انجامیده و متحدان عربش را به دامن ایران انداخته و از سوی دیگر سبب روی کار آمدن افراطی ترین دولت دست راستی در اسرائیل شده و پیمان ابراهیم را که با وساطت ایالات متحده حاصل شده بود، به خطر

نقد «کنت پولاک»، «جس فریمن» و «سایمون تیسدال»؛ سه تحلیلگر امریکایی درباره سیاست خارجی بایدن

## برزخ ناامیدی



### قدرت نمایی در برابر امریکا با پول، نفت و ورزش

قدرت نمایی از طریق مسائل مالی، نفتی و ورزشی راهکارهایی است که به اعتقاد «سایمون تیسدال»، تحلیلگر امریکایی روزنامه انگلیسی «گاردین» از سوی عربستان سعودی و امارات متحده عربی در پیش گرفته شده تا از این طریق، جایگاه امریکا و پیش از آن انگلیس را نادیده بگیرند. «تیسدال» موضوعاتی از روندهایی را که در حال متزلزل کردن بیش از پیش موقعیت امریکا در خاورمیانه است، فهرست می کند و می گوید: «یکی از وعده های بزرگ جو بایدن در منطقه یعنی احیای توافق هسته ای ایران که توسط دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق امریکا ناپود شد، هنوز محقق نشده است. در اسرائیل، ملی گرایان یهودی و تندروهای مذهبی تلاش می کنند آینده اسرائیل را برخلاف آنچه واشنگتن تعالی دارد، ترسیم کنند؛ اقدامی که یادآور سرنوشت مشابه دولت بریتانیا در روزهای آخر قیمومت بر این منطقه است. در ترکیه نیز رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور این کشور که به دنبال احیای امپراطوری است، غرب را در مقابل شرق و بالعکس قرار می دهد و به طور متناوب و به سرعت منافعی را از ایالات متحده، ناتو، اتحادیه اروپا، روسیه و چین به دست می آورد. این تحلیلگر غربی در ادامه واکنش دولت امریکا به این تحولات را ناامیدکننده می خواند و می افزاید: «بایدن علناً دست و پا می زند تا رهبری ایالات متحده امریکا در جهان را مجدداً ترسیم کند. او در این مسیر ادعا می کند با نفوذ پکن و مسکو در حال مقابله است و از طرفی ماه جاری میلادی ۳۰۰۰ نیروی اضافی به خلیج فارس اعزام کرد تا فرضاً نشان دهد چه کسی رئیس است اما دوران امریکا مدت هاست پایان یافته است.»



### شکست تحریم تا احیای نقش هاب منطقه ای

ده ها پیگیری سیاست طرد و فشار حداکثری از سوی امریکا، باعث شد ایران احساس کند جایی جز آغوش دشمنان امریکا ندارد. جس فریمن، تحلیلگر بنام امریکایی این گزاره را مقدمه ای بر تبیین خود از سیاست کنونی ایران در خاورمیانه می داند. وی معتقد است ایران به سمت دشمنان امریکا رفته است تا اثر و نفوذ این کشور را از منطقه پاک کند. فریمن اما به منافع که این آشتی و نزدیکی برای ایران به دنبال دارد اشاره می کند و می گوید: «تهران تلاش می کند با استفاده از تجارت و سرمایه گذاری با پایتخت های سرشار از سرمایه کشورهای خلیج فارس، تحریم های تحمیل شده توسط امریکا را بشکند. همزمان جاده ها، خطوط آهن و خطوط لوله انتقال انرژی که در قالب ابتکار کمربند و راه چین تأمین مالی می شوند، کمک می کنند تا ایران به نقش دوران پیشامدرن خود به عنوان هاب منطقه ای برای مبادلات اقتصادی شرق و غرب و شمال و جنوب بازگردد. همان گونه که ایران در چهار دهه گذشته موفق بود، دولت های عرب منطقه هم در مسیر آزاد کردن خودشان از روابط حامی-مشتری با ابرقدرت ها هستند.» فریمن می گوید بازیگران قدرتمند منطقه ای مانند عربستان، امارات و مصر هر چند نمی خواهند روابط شان را با امریکا قربانی کنند، اما کاملاً تمایل خود را برای استفاده از گشایش های ایجاد شده در آستانه ورود به یک نظام پسامریکایی و چندقطبی نشان داده اند. دلارزدایی یکی از نشانه های این تحول محسوب می شود، اما با نگرانی هایی که امریکا و اروپا از طریق توقیف دارایی های دلاری و طلاي ایران، ونزوئلا و روسیه ایجاد کرده اند، این فرایند شتاب بیشتری گرفته است؛ توقیف هایی که به اعتقاد این تحلیلگر امریکایی، عملاً امتدادی بانک های مرکزی امریکا را مورد تسمخر تمام عیار قرار داد. این رویدادها نشان داد امریکا متحدان غربی اش هر زمان که دل شان بخواهد قواعد حاکم بر نظام بین الملل را پس از جنگ جهانی دوم زیر پا می گذارند. بنابراین دیگر هیچ کشوری در منطقه غرب آسیا نیست که آمادگی داشته باشد برای حفاظت از تجارت انرژی با هویت ملی اش به صورت اختصاصی به امریکا تکیه کند.



### استقبال بی سابقه از ایده تشکیل مجمع منطقه ای

استقبالی که کشورهای عربی منطقه از ایده جمهوری اسلامی مبنی بر تشکیل یک مجمع منطقه ای بدون حضور امریکا و اسرائیل داشته اند به باور «کنت پولاک»، تحلیلگر ارشد سیاست خارجی امریکا یک دهه پیش غیرممکن به نظر می رسید. «پولاک» معتقد است همه متحدان منطقه ای ایالات متحده از اینکه این کشور دیگر از آنها در مقابل ایران محافظت نخواهد کرد، دچار ترس شده اند. بنابراین طی چندین سال گذشته، این ضرورت را دریافته اند که باید وابستگی خود به ایالات متحده را کاهش دهند و دوستان جدید و حامیان بالقوه ای همچون ایران پیدا کنند. چرا که هیچ یک از کشورهای عربی فراموش نکرده اند چگونه «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور پیشین امریکا ایده دفاع از عربستان سعودی و امارات در برابر حمله احتمالی ایران در سال ۲۰۱۹ را به سخره گرفت و احتمالاً بدون اینکه بفهمد ۴۰ (یا ۷۵) سال سیاست ایالات متحده درباره منطقه را زیر و رو کرد.

کنت پولاک: حالا که به نظر می رسد امریکایی ها کمتر به خاورمیانه علاقه مند هستند، روسیه نیز در اوکراین گرفتار شده است و چین همچنان فاقد قدرت نظامی برای تصاحب قدرت منطقه ای است، اکنون ایران مهران تر و ملایم تر از گذشته، کشورهای عربی را به سوی خود می خواند

«سایمون تیسدال»؛ قدرت نمایی از طریق مسائل مالی، نفتی و ورزشی راهکارهایی است که به اعتقاد «سایمون تیسدال»، تحلیلگر امریکایی روزنامه انگلیسی «گاردین» از سوی عربستان سعودی و امارات متحده عربی در پیش گرفته شده تا از این طریق، جایگاه امریکا و پیش از آن انگلیس را نادیده بگیرند